

کتاب چهارم

من دیگرما

...

بازی‌های عسلی وعسل‌های بدلی

نقش بازی در تربیت فرزند

فرزند ما از ما جدا نیست؛ او خود ماست
اما در اندازه‌ای کوچک‌تر

...



سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور: بازی‌های عقلی و عقل‌های بدلی: نقش بازی در تربیت فرزند/ نویسنده محسن عباسی‌ولدی؛ تصویرگر ایمان خاکسار؛ ویراستار سید محمد دلال موسوی.

مشخصات نشر: قم: آیین فطرت - مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.؛ مصور: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

فروست: من دیگر ما، فرزند ما از ما جدا نیست، او خود ماست اما در اندازه‌ای کوچکتر؛ کتاب چهارم.

شابک: دوره: ۰-۰۰۰-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۴: ۸-۰۴-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. عنوان دیگر: نقش بازی در تربیت فرزند.

موضوع: بازی‌ها -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: Islam -- Religious aspects -- Games

موضوع: والدین و کودک -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: Islam -- Religious aspects -- Parent and child

شناسه افزوده: خاکسار، ایمان، تصویرگر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ب۲ ۲۳۲/۸۸/ع BP رده بندی دیویی: ۶۳۷/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۹۳۱۶۳

• من دیگر ما (کتاب چهارم) •

نویسنده: محسن عباسی‌ولدی

ناشر: آیین فطرت

مدیر هنری و طراح جلد: سید حسن موسی زاده

تصویرگر: ایمان خاکسار، سولماز جهانگیری

گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید صفارنژاد

ویراستار: سید محمد دلال موسوی

• www.ketabefetrat.com •

همه‌هنگی پخش: ۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱ با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی یا

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی،

نویت چاپ: بیستم / پاییز ۱۴۰۳ کتاب را در منزل تحویل بگیرید.

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه • www.ketabefetrat.com •

قیمت: ۸۴۰۰۰ تومان سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰

کلیه حقوق محفوظ است.

۱. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «زندگی ای گواراتر از اخلاق خوش نیست» *(الكافی، ج ۸، ص ۲۴۴)*. ایشان فرمود: «کسی که اخلاق خوش داشته باشد، دوستدارانش افزایش می یابند و دل ها با او انس و الفت می گیرند» *(مغیرالحکم ودرر الکلم، ص ۲۵۵)*.

۲. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «انسان بد اخلاق، بسیار خطا می کند و زندگی اش تلخ می شود» *(عیون الحکم والمواعظ، ص ۵۰)*. ایشان فرمود: «کسی که بد اخلاق باشد، خانواده اش از او بیزار و دلتنگ می شوند» *(الكافی، ج ۸، ص ۲۳)*. امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «کسی که اخلاقش بد شد، خودش را عذاب می دهد» *(همان، ج ۲، ص ۳۲)*.

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بر شما باد اخلاق خوش که خوش اخلاق، حتماً وارد بهشت می شود و بر شما باد که از بد اخلاقی پرهیز کنید؛ چرا که بد اخلاق، حتماً وارد جهنم می شود» *(عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۴)*.

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: «اخلاق نیکو، گناهان را از بین می برد؛ مانند خورشید که برف را آب می کند» *(الكافی، ج ۲، ص ۱۰۰)*.

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: «نیکی و خوش اخلاقی، خانه ها را آباد و عمرها را طولانی می کند» *(همان، ص ۱۰۰)*.

۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خوش اخلاقی، نیمی از دین است» *(الخصال، ص ۳۰)*.

۷. امام باقر علیه السلام فرمود: «کامل ترین مؤمنان از نظر ایمان، خوش اخلاق ترین آنهاست» *(همان، ص ۹۹)*.

۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر حُسن خُلق، آفریده ای بود، معلوم می شد موجودی نیکوتر از آن نیست. اگر بد اخلاقی آفریده ای بود، معلوم می شد که زشت تر از آن، موجودی نیست» *(کتاب الزهد، ص ۲۶)*.

۹. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «کسی که خشم و شهوت بر او غلبه کند، در جایگاه چارپایان است» *(عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۳۸)*.

۱۰. موضوع این کتاب، «بازی» است. وقتی مطالب کتاب تمام شود، معلوم می گردد تنها پدران و مادران خوش اخلاق هستند که می توانند زمینه بازی را به شکلی که در این کتاب آمده، برای فرزند خود، فراهم کنند. برای همین هم در ابتدای کتاب، سخن از صفتی به میان آوردیم که در انتهای کتاب، خود را محتاج آن خواهیم یافت.

فهرست منِ دیگر/ما/کتاب چهارم

۱۱ • مقدمه

بخش اول

یک لیوان آب، یک لقمه غذا و یک دست بازی با طعم محبت

بخش دوم

فرزندت سوء تغذیه بازی گرفته حواست هست؟

- ۲۷ • ۱. ناآگاهی از ضرورت بازی برای کودکان
- ۲۹ • ۲. مساوی دانستن بازی با سرگرمی
- ۳۰ • ۳. بی معنا دانستن برخی از بازی ها
- ۳۱ • ۴. ناآگاهی از انواع بازی های کودکان
- ۳۲ • ۵. حوصله نداشتن والدین
- ۳۳ • ۶. ویژگی های زندگی مدرن
- ۳۳ • الف) رکود در زندگی مدرن
- ۳۶ • ب) نظم خشک در زندگی مدرن
- ۳۶ • ج) سیطره رسانه
- ۳۹ • د) عدم امکانات کافی برای بازی
- ۴۰ • ۷. وقت گیر بودن بازی
- ۴۲ • ۸. تعداد کم بچه ها
- ۴۳ • ۹. حوصله نداشتن خود بچه ها
- ۴۳ • الف) عادت کردن به رسانه
- ۴۴ • ب) تصویر غیر جذاب بازی های غیر رسانه ای
- ۴۴ • ج) درد سرهای سرگرمی های غیر رسانه ای

بخش سوم نشانه های سالم بودن غذای بازی

- ۴۷ • فصل اول مشارکت والدین در بازی
- ۵۷ • فصل دوم بچه شدن والدین در هنگام بازی
- ۶۷ • فصل سوم فعال بودن و تحرک داشتن
- ۷۷ • فصل چهارم بدون ترس و دغدغه بودن بازی
- ۸۵ • فصل پنجم انتخابی باشد نه تحمیلی
- ۹۱ • فصل ششم داشتن تنوع
- ۹۹ • فصل هفتم واقعی و طبیعی بودن بازی
- ۱۰۷ • فصل هشتم زمینه ساز خلاقیت کودک
- ۱۱۳ • فصل نهم قابلیت همکاری با دیگران داشتن یا جمعی بودن بازی
- ۱۲۱ • فصل دهم نتیجه بخش بودن بازی
- ۱۲۹ • فصل یازدهم در معرض دید بودن بازی
- ۱۳۵ • فصل دوازدهم بیرونی و درونی بودن بازی
- ۱۳۸ • نکاتی در باره حضور کودک در بیرون از خانه
- ۱۳۸ • الف) ضرورت آشنایی با جامعه
- ۱۴۰ • ب) خانواده محوری و نقش آن در کاهش تأثیر منفی محیط بیرون
- ۱۴۲ • ج) نظارت بر بازی های بیرونی به وسیله والدین

- ۱۴۳ (د) خانه‌های آپارتمانی و بازی‌های بیرونی
- ۱۴۳ (ه) تعداد بچه‌ها و مدیریت گرایش بچه‌ها به محیط بیرون
- ۱۴۴ (و) جذاب کردن محیط خانه و مدیریت گرایش به محیط بیرون
- ۱۴۴ (ز) محله‌های نه چندان خوب

• ۱۴۷ فصل سیزدهم افزودن بر تجربه کودک

• ۱۵۳ فصل چهاردهم رقابتی بودن بازی

- ۱۵۹ آنچه خواندید
- ۱۶۴ آنچه در کتاب بعدی خواهید خواند
- ۱۶۵ حرف آخر
- ۱۶۷ منابع

باید کودک شد. راه، همین است. من هنوز باور نکرده‌ام کوچک بودن کودکان را. کودکان، به اندازه آسمان، پهناورند. این ماییم که کوچک شده‌ایم.

باید کودک شد. راه بزرگ شدن ما، از جاده کودک شدنمان می‌گذرد.

کودک که شدیم، می‌فهمیم بازی‌های کودکانه، چه قدر با معناتر از بازی‌های ما بزرگ‌ترهاست. چه اندازه صداقت دارند این بچه‌ها که کارهای خودشان را بازی می‌نامند! و چه بهره‌ای از صداقت داریم، ما که بازی‌هایمان را جدی‌ترین کارهای روزگار می‌دانیم!

میوه بازی‌های کودکانه، شادابی و طراوت است و نتیجه بازی ما بزرگ‌ترها، جز غم، چیز دیگری نیست. چه قدر سیاست دارند کودکان و چه اندازه بی‌تدبیریم ما! پس باید باور کنیم این حقیقت را که ما بزرگ نشده‌ایم. از کودکی که فاصله گرفتیم، کوچک شدیم. یادش به خیر، دل‌های دریایی کودکانه‌مان که زلال بود و بی‌رنگ! عجب دیدنی بود بازی‌های کودکانه‌مان! رقابت‌هایی

که بوی رفاقت می داد و دست به دست هم دادن هایی که زنجیر محبت می بافت.

و چه اندازه زشت است بازی های کوچکانه ما! رقابت هایی که بوی تعفن دنیا می دهد و دست به دست هم دادن هایی که زیر پای کسی را خالی می کند.

کودک که بودیم، قایم باشک، بازی می کردیم. کسی چشم می گذاشت، بقیه، پنهان می شدند. چه قدر ساده بودیم! پشت پرده پنهان می شدیم؛ اما پاهایمان پیدا بود. شاید هم سادگی نبود و از پنهان کاری بدمان می آمد. همیشه آنچه را که بودیم، نشان می دادیم تا کسی در باره ما به اشتباه نیفتد.

حالا که کوچک شده ایم، باز هم قایم باشک، بازی می کنیم؛ اما دیگر کسی چشم نمی گذارد. همه چشم هایمان را به روی حقیقت می بندیم و در همین حال، پنهان می شویم پشت پرده ای که حتی نوک انگشت حقیقتمان هم پیدا نباشد. پنهان کردن، قاعده زندگی ما شده. آخر می دانیم اگر کسی «خود» ما را بیابد، راهمان به همه بازی ها بسته می شود.

در قایم باشک بازی کودکانه، وقتی نوبت پیدا کردن دوستان می رسید، خیلی هامان، خیلی زود پیدا می شدیم؛ اما در قایم باشک بازی کوچکانه، خودمان را به هزار راه می زنیم تا کسی پیدایمان نکند. آخر از این که دست نیازمندی به سویمان دراز شود، بیمناکیم؛ اما وقتی که محتاج می شویم، هوار می کشیم تا همه ما را ببینند.

در قایم باشک بازی دوران کودکی، از مخفیگاهمان که بیرون

می‌زدیم، می‌دویدیم تا دستانمان را همان جایی بگذاریم که دوستانمان چشم گذاشته بود. امروز، گه‌گاه که از مخفیگاهمان بیرون می‌آییم، برای آن است که دست در چشم دوستان فرو کنیم، شاید هم در جیبش و شاید هم روی قبرش بگذاریم برای خواندن فاتحه!

قایم باشک بازی کودکانه که تمام می‌شد، کنار هم می‌نشستیم و می‌گفتیم و می‌خندیدیم؛ اما قایم باشک بازی کوچکانه‌مان، کی تمام می‌شود؟ نمی‌دانم؛ اما می‌دانم باید کودک شد. راه، همین است.

کودک نیستیم که حوصله بازی کردن با کودکانمان را نداریم. بازی کردن با کودکان، نشانه بزرگی است. اگر با کودکان بازی نمی‌کنیم، از آن روست که کوچک شده‌ایم و کوچک هم حال کودک را درک نمی‌کند. چه خسران بزرگی! کوچک بودن و توهم بزرگ شدن!

باید کودک شد. راه همین است. کودک، بازی می‌کند و ما بازیچه شده‌ایم؛ بازیچه توهماتمان، بازیچه دنیايمان، بازیچه... چه کسی تردید دارد که بازیگر، از بازیچه بزرگ‌تر است؟

اگر کودک شدیم، بی آن که کوچک شویم، حس کودکان به بازی را می‌فهمیم. آن وقت است که جای بازیچه شدن، همبازی کودکان خواهیم شد. بازی‌هایی که عبادت است، بازیچه شدن‌هایی که شقاوت است و من مانده‌ام حیران از خویش که چرا شقاوت را بر عبادت، ترجیح می‌دهم؟

خدایا! من می‌دانم که تو بازی با کودکان را دوست داری و

یقین دارم که لب خند نشسته بر لب هر کودکی، دل فرشته‌ها را شاد می‌کند.

الهی! تردید ندارم که سرگرم شدنم به دنیا، لحظه‌های زندگی‌ام را بازیچهٔ شیطان کرده و روز به روز، مرا کوچک‌تر می‌کند.

بارالها! تو کودکان را دوست داری و دوستان تو به رسم دوستی، محبت خویش را خرج کودکان می‌کنند؛ اما من با توهم بزرگ شدن، اسباب بازی دنیا شده‌ام و این توهم، مرا از بازی با دوستان تو، یعنی کودکان، باز داشته است.

محبوب بی‌همتا! من بر آنم برای رها شدن از دامی که دنیا برایم گسترده، به جای بازیچه شدن، با دوستان تو بازی کنم. می‌دانم در خانه‌ام، کسی از کودکم به تو نزدیک‌تر نیست. کودکم، بوی تو را می‌دهد. من با کودکم بازی می‌کنم تا از بند کوچک بودنم رها شوم و با نزدیک شدن به تو، طعم بزرگ بودن را بچشم.

کمکم کن بزرگ شوم به اندازه‌ای که شایستهٔ نام «انسان» گردم. آمین!



خدا را شکر می‌کنیم که توفیقش یارمان شد تا با من دیگرم، به خانهٔ چهارم برسیم. پیش از معرفی اجمالی این خانه، بهتر است آنچه را در سه خانهٔ پیشین خوانده‌ایم، مرور کنیم.

من دیگرم، با دغدغهٔ تربیت در دنیای امروز، به دنیا آمدم. در خانهٔ اول، ابتدا به سراغ مشکلات تربیت در دنیای امروز رفت و سری هم به مبانی تربیت دینی زد. پس از آن نیز دربارهٔ نقش «گزاره‌های تصویری» در تربیت کودک، سخن گفت.

مرئی در ارتباط برقرار کردن با محیط اطراف خویش، رفتارهایی را انجام می‌دهد که مخاطب، تماشاچی آن بوده، از آن، عکس برداری می‌کند. به این رفتارها «گزاره‌های تصویری» می‌گوییم. در این گزاره‌ها، مرئی به صورت مستقیم با مخاطب در ارتباط نیست و مخاطب، تنها بیننده رفتار اوست. این گزاره‌ها در تربیت دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در خانه دوم بود که بحث از «گزاره‌های رفتاری» را آغاز کردیم. گزاره‌های رفتاری، گزاره‌هایی است که مخاطب از نوع رفتار مرئی با خودش دریافت می‌کند.

این گزاره‌ها، نوعی گزاره تصویری است، با این تفاوت که در این گزاره‌ها، مخاطب از رفتار مرئی با خود، تصویربرداری می‌کند؛ اما در گزاره‌های تصویری، از رفتار مرئی با دیگران، عکس می‌گیرد. پیام این گزاره‌ها هم مانند گزاره‌های تصویری، از قصد ما پیروی نمی‌کند؛ یعنی ممکن است شما رفتاری با فرزندان داشته باشید که او از آن، بی‌احترامی برداشت کند؛ اما قصد شما بی‌احترامی نباشد.

با توجه به آموزه‌های تربیتی دین، رفتار ما با فرزندان، باید دو پیام اصلی را با خود داشته باشد: محبت و احترام.

در ادامه خانه دوم، بحث محبت را آغاز کردیم. موضوعات مورد بحث ما در باره محبت، عبارت بود از: آثار محبت، چرا محبت نمی‌کنیم؟ دلایل اثر نکردن محبت و شیوه‌های ابراز محبت.

در بحث از شیوه‌های مختلف ابراز محبت، گفتیم که آزادی دادن به کودکان و بازی با آنها، دوره اصلی محبت کردن است.

از این جا بود که چراغ خانهٔ سوم با موضوع «آزادی»، روشن شد. آزادی، آن قدر اهمیت داشت که یک خانه را به صورت مستقل به آن اختصاص دادیم. در این خانه، موضوعاتی با شما در میان گذاشته شد که عبارت بودند از: آزادی و نقش آن در ابراز محبت، خط قرمزهای آزادی کودک، آثار آزادی کودک، آثار محدودیت‌های بی‌جا، چرا فرزندانمان را آزاد نمی‌گذاریم؟ هنر آزاد گذاشتن کودک، هنر مقابله با کار خطرناک و هنر مقابله با کار زشت.

و هم اکنون، به خانهٔ چهارم رسیده‌ایم. در این خانه، به یکی از اساسی‌ترین نیازهای کودک و نوجوان، یعنی «بازی» می‌پردازیم. بازی، از زندگی کودک، حذف‌شدنی نیست. آنچه در دست ماست، انتخاب بازی است. امروزه، با ورود وسایل مدرن برای سرگرم کردن کودکان، بحث دربارهٔ بازی، ضرورت بیشتری پیدا کرده است.

سبک زندگی مدرن، بیش از آن که با نیازهای کودک، تطابق داشته باشد، با نیازهای او دشمنی دارد. از همین رو، پیش از آن که بازی‌هایی که با نیاز کودکان تناسب دارد، از یاد برود، باید از آنها سخن گفت و یادشان را زنده نگه داشت.

این کتاب، از سه بخش تشکیل شده: بخش اول به بیان رابطهٔ بازی با محبت و ورزش می‌پردازد که می‌توان گفت عهده‌دار رابطهٔ میان گزاره‌های رفتاری و موضوع این کتاب است.

کم نیستند پدران و مادرانی که امروزه بازی بچه‌ها را جدی نمی‌گیرند. چرایی این بی‌اعتنایی، موضوع بخش دوم است. در بخش سوم هم به ویژگی‌های بازی مفید پرداخته‌ایم.

من دیگرما، از ابتدای تولّدش، بنا داشته مخاطب خود را در کوچه پس کوچه‌های مباحث علمی، سرگردان نکند. او از همان ابتدا دوست داشت مباحثش جنبه کاربردی داشته باشد. لازمه کاربردی شدن این کتاب، آن بود که ما علاوه بر بیان ویژگی‌های بازی، به صورت مشخص، بازی‌هایی را که می‌توان در سنین مختلف با کودکان و نوجوانان انجام داد، توضیح دهیم. این بازی‌ها، به قدری فراوان است که توضیح آنها در این کتاب نمی‌گنجد. از همین رو، من دیگرما، از این کتاب به بعد، دوستان دیگری یافته؛ دوستانی که به کمک این کتاب آمده‌اند تا مباحث آن را کاربردی‌تر کنند. همراه این کتاب، سه کتاب ضمیمه منتشر خواهد شد که یکی از آنها به معرفی و توضیح بازی‌ها و دیگری هم به آموزش کاردستی‌ها برای سنین مختلف می‌پردازد. سومین ضمیمه هم عهده‌دار معرفی اسباب بازی‌های مفید است که می‌توان در بازار اسباب بازی، آنها را پیدا کرد.

این کتاب هم مانند کتاب‌های پیشین، ضمیمه‌ای ادبی با نام «بازی چه محراب خوبی است برای این عبادت» دارد. مطالعه ضمیمه ادبی این کتاب را فراموش نکنید.

امید است آنچه در این کتاب و ضمیمه‌های آن آمده، در مسیر تربیت فرزندان صالح، مفید باشد.

از این که همچنان با پیامک‌های خود به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰، ما را همراهی می‌کنید، از شما سپاس‌گزاریم. ما برای کم کردن از کاستی‌های این مجموعه، نیازمند انتقادات و پیشنهاد‌های شما هستیم. بیان تأثیر کتاب در تربیت فرزندان

هم انگیزه ما را برای ادامه این راه، بیشتر می‌کند.

در پایان، از خدای مهربان می‌خواهیم همه ما را یاری کند تا
فرزندانی تربیت کنیم که بندگی را در دنیا معنا کنند و رفتارشان،
مایه مباهات خدای عزیزمان بر فرشتگان باشد.

قم، شهر بانوی کرامت

زمستان ۱۳۹۵

محسن عباسی ولدی